نقبی بر تاریخ ازسرگذشته زیباترین باغ مشهد که قرار است با احیای دوباره، جان تازه بگیرد

رنگ زندگی بر در و دیوار باغ خونی

هما سعادتمند
h.saadatmand@shahraranews.ir

گزارش روز

درِ باغ‌های این شـهر آن‌قدر به روی مردمش بسته بوده که حالا خبر احیای یکی از این سبزهای پیرِ پردرخت در پست اینستاگرامی شهردار توانسته در صدر خبرهای هفته قـرار بگیرد و با تیترهایی چـون «باغ‌خونـی احیا می‌شـود»، «جان تازه در رگ باغ خونی» و... لبخند را روی لب مشهدی‌ها بنشاند و طیشِ این ایـام بیمار و پراندوه را به عیش بکشـاند. گزارش پیش‌رو بازخوانی تاریخچه باغی است که سوای زیبایی و قدمتش، روایت‌های سیاسی بسـیاری درباره‌اش باقی مانده و بـا یکی از رویدادهای تاریخی و تلخ مشهد نیز گره خورده است.

گره‌خوردن با یک رویداد تاریخی

باغ‌خونی که طرحِ تلاش برای بازسازی و احیای آن چندین سال اَست روی میز مسئولان شهری مانده بود، با درهای بسـته، دیوارهای سترگ و قامت برافراشـته درختانی که بیش از یک قرن است سـر بر شانه آسـمان گذاشته‌اند، بیشتر به جهانی ناشناخته و رازآلود شبیه است که اگر دهانی برای روایت داشـت، بی‌گمان، ما را به کشـف و شـهودهای تازه‌ای در تاریخِ ازسرگذشته‌اش می‌کشـاند. ناگفته نماند کهَ نام «باغ‌خونی» هم در این رازآلودگی بی‌تأثیر نبوده است. روایت‌های بیان‌شده درباره تاریخ شـفاهی این باغ، مردم را به این باور رسانده که اسم باغ‌خونی برگرفته از خون ریخته‌شده زائرانی است که در نوروز سال ۱۲۸۷ و درپی به توپ بستن گنبد توسط روس‌ها در حرم کشته شـده‌اند؛ زیرا توپ‌های شلیک‌شده به‌سمت گنبد و گلدسـته‌های حضرت‌رضا(ع) در این باغ مستقر بوده‌اند. طبق این روایت در دوران مشروطه، بعد از تشکیل ژاندارمری مخصوص خزانه‌داری کل ایران توسط «مورگان شوستر آمریکایی»، دولت روسـیه که ایـن اقدام را مخالفت دستاوردهای خود در ایران می‌دانست، در اولتیماتومی، خواستار اخراج شوستر از ایران و استخدام اتباع خارجی با اجازه دُوَل روس و انگلیس شد. بارَد این اولتیماتوم توسط مجلس شورای ملی، قوای روسی مستقر در تبریز وارد قزوین شـدند. در ادامه یوسف‌خان هراتی که یکی از دست‌نشاندگان دولت روس در مشهد اسـت، به تحریک آن‌ها، شورشی تصنعی در مشهد برپا می‌کند؛ گویا سربازان روسی درحالی که شیپور می‌زده‌اند، با توپ جنگی وارد مشهد شـده و پس از اسـتقرار در ارگ، باغ‌خونی و پادگان گل‌ختمی، بـرای تهدید دولت ایران، حرم مطهر امام‌رضا(ع) را بـه توپ می‌بندند. این توپ‌ها که عدد آن به ۱۷ می‌رسیده از چند ناحیه به‌سمت حرم پرتاب می‌شود و یکی از این کانون‌ها باغ‌خونی بوده است. برخی نیز درست همین روایت را به تیرماه ۱۳۱۴ و درگیری در مسجد گوهرشاد تعمیم می‌دهند و معتقدند که برخی اجساد یافت‌نشده از کشتگانِ این واقعه، مدفون این باغ هستند.

وجه تسمیه نام باغ‌خونی

اما تاریخ‌پژوهانی چون سـیدمهدی سیدی و دکتر لباف‌خانیکی، وجه‌تسـمیه نام این باغ و پسـوند خونی آن را تغییریافته شکل کلامی خانیک، خونیک و خین می‌دانند که در زبان پهلوی به‌معنای چشمه است و این‌طور استنباط می‌شود که در گذشته از دل این باغ نیز مانند ساختارِ دیگر باغ‌های ایرانی، چشمه‌ای روان و جاری بوده است.

باغ‌خونی و پیشینه آن

مشهد شـهر باغ‌های ایرانی بوده است و این را می‌توان از حکایت‌هایـی برجای‌مانده درباره محل دفـن پیکر مطهر حضرت‌رضـا(ع) نیز استنباط کرد. پیکر ایشان در باغ والی خراسان در نقطه‌ای که اطرافش با چهارباغ دیگر محصور شده بوده، به خاک سـپرده می‌شود. بعدها و در دوره قاجار در این باغ سه عمارت به دست حاج‌محمدمهدی تاجـر قندهاری، مالک باغ، ساخته می‌شود که امروزه از این سه‌عمارت تنها یکی باقی مانده است اما می‌توان در عکس‌های هوایی به‌جامانده از سـال ۱۳۳۵ خورشیدی سـراغی از آن‌ها گرفت. این باغ بنابر توصیف مستشـاران نظامی در خاطراتشان، زیباترین باغ مشهد و محل جلوس بزرگان و سیاسیون بوده اسـت و در زمان ریاست محمدتقی‌خان کلنل پسـیان بر ژاندارمری خراسـان، از آن به‌عنوان مقر ارتش استفاده می‌شده است.

باغ‌خونی در سفرنامه سیاحان

سـلطان صاحبقران قاجاری، ناصرالدین‌شاه، این باغ را معروف و باصفـا توصیف می‌کند و زمانی هم اینجا گویا اقامتـگاه عارف قزوینی و ایرج‌میرزا بوده اسـت. مک‌گرگور که افسر ارتش انگلسـتان و مقیم این شهر بوده است، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «در باغی در جنوب مشـهد اقامت داشـتم. نام بـاغ برایم قدری نفرت‌انگیز بود اما باغ خونی زیبا بود. زیباتر از هر باغ دیگری در مشهد.»

اتراقگاه میهمان ناخوانده

پس از مدتی (سـال ۱۳۰۰) این باغ به اتراقگاه میهمان ناخوانده تبدیل می‌شود، آن‌چنان‌که ژنرال میکولوتوفِ روسـی تلاش می‌کند آن را به‌عنوان غنیمتِ جنگی بردارد و سـند باغ را به نام شوروی بزند اما از آنجاکه طبق قانون باغ نمی‌توانسته مالک غیرایرانی داشته باشد، این درجه‌دار روسـی راه به جایـی نمی‌برد. میکولوتوف پس از این شکست با زور عهدنامه ۱۹۲۱ را می‌نویسـد که در بندهـای آن، باغ خونی مشـهد و پارک اتابک تهـران به اجاره چندساله روس‌ها درمی‌آید. این اجاره‌نشینی حدود ۱۷ سال به درازا می‌کشـد اما با شروع دوران پهلوی اول، باغ از ساکنان دیرینه و بیگانه آن پس گرفته می‌شـود و در اداره ثبت اسناد و املاک مشـهد به نام اداره مالیه شهرستان مشهد به نفع بانک ایران سند می‌خورد. روس‌ها می‌روند اما سه سال بعد با اشغال مشهد توسط نیروهای متفقین دوباره خاک این مربع سبز، لگدمال پوتین نظامیان روس می‌شود.

طبق اسـناد برجای‌مانده، پس از بیرون‌رفتن روس‌ها، باغ خونی تا انقلاب اسـلامی کاربرد باغی و کشـاورزی داشـته اسـت تـا اینکه در سـال ۱۳۶۹ دراختیـار اداره مالیه و بانک کشاورزی قرار می‌گیرد و پس از آن هم میان ارگان‌های بسـیاری دست‌به‌دست می‌شود و درخلال این بی‌توجهی‌ها خسـارت و آسیب فراوان می‌بیند.

اما در جدیدترین اقدام کـه آخرین روز پاییز امسال رخ داد، کلنگ آغاز عملیات طرح احیای باغ‌خونی به زمین زده شـد. دکتر علی اصغر مونسـان، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دسـتی در این روز گفت: «استانداری خراسـان رضـوی و وزارت میراث‌فرهنگی، گردشـگری و صنایع‌دستی نسـبت به این مجموعـه فرهنگی توجـه ویـژه‌ای دارند و بناسـت که این باغ احیا شـود و حال و هوای روزهای گذشـته را دوباره تجربـه کند. البته مطلع شـدیم که به این باغ آسیب‌هایی وارد شده و تنها با رجوع به اسناد تاریخی این مکان می‌توان سـاختمان‌های تخریب شـده آن را احیا کرد.»

مونسـان در ادامه افـزود: «در فـاز اول باغ ایرانی، مسـیرهای ایـن بـاغ کاوش و احیا خواهد شد. هم‌چنین قرار اسـت المان‌های گیاهـی این باغ نیز احیا شـود و پـس از آن عملیـات مرمت کوشـک نیز آغـاز خواهد شـد. در فاز دوم نیز تصمیم بر آن اسـت که سـاختمان‌های تاریخی که تخریب شده، بر اساس اسناد و مستندات که به دست می‌آید، احیا شود.»

ناگفته نماند که قاسـم تقی‌زاده خامسـی، شهردار سـابق مشـهد، حدود یک سال پس از آنکه سـکان شهرداری مشـهد را به دست گرفت، از مذاکره با بانک کشـاورزی و نیروی انتظامی برای بازسـازی بـاغ خونی خبر داد. اما پیگیری‌هایِ شـهردار وقتِ مشـهد برای تملک این باغ به سرانجامی نرسید، تا اینکه در ۲۱ آذرماه سال گذشته، آگهی مناقصه فروش باغ خونی همه را متعجب کـرد. در آن آگهی که برخلاف قانون هیچ اشـاره‌ای به ثبت ملی بودن این بنا نداشـت، قیمت این باغ ۴۱ هزار مترمربعی در ۵۰۰ متری حرم مطهر را ۲۲۵ میلیارد تومان تعیین کرده بودند.

منبع: باغ‌های تاریخی مشهد، مطالعه موردی باغ خونی از محمود بختیاری و علی مومنی، پژوهش مصطفی توفیقی در روزنامه شهرآرا-۱۳۹۱ و...

عکس: داود بهگام | شهرآرا

تالار متصل به ایوان جنوب غربی

خیابان میانِ درورودی و عمارت

نمای داخلی دروازه ورودی باغ خونی

قدمت: ۱۲۴۸ خورشیدی (قاجار)
مساحت: ۶۵۰۰ متر مربع
کاربری: کنسولگری روسیه در گذشته
نشانی: حد فاصل میدان بیت‌المقدس و میدان بسیج، انتهای خیابان عنصری ۹
رویداد مهم تاریخی: بنا بر روایت‌های شفاهی روس‌ها در تیرماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی از همین باغ، حرم مطهر را به توپ بستند.
فاصله تا حرم مطهر: ۵۰۰ متر
تاریخ ثبت ملی شدن: ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ به شماره ۳۲۴۰

جست‌وجویی درباره عناصر خیابان، بست و محلات آن در خاطره جمعی مردم مشهد

سنگ‌ریزه‌های کفِ جوی

مسعود نبی‌دوست

«دور مشهد کشـیده شد بهره/ پوشت بهره همه‌ش بیابون بود// ازی سر تا او سر، مینِ مشهد/ آبراه جوب خیابون بـود// پنج محله مشد قدیما داش/ بال‌خیابون، سراب و نوغون بود// ته‌خیابون و عیدگاه و کجا/ای رقم شهرکای فراوون بود؟» این شعر بلندبالای «زنده‌یاد یوسف ازغدی» در شـرح جغرافیای محلات و اماکن مهم مشهد قدیم سروده شده است؛ از بهره (بارو) و جوی آب خیابان تا پنج‌محله‌ای که در یاد این شاعر مشهدی همه مشهد قدیم بوده است.

گذر جوی از میان شعر شاعران

در شماره پیشـین این نوشـتار از عنصر خیابان، چنارهـا و جـوی آب میانه‌اش گفتیـم؛ عناصر دریادماندنی مشهد قدیم که همه راویان و شاعران زود به‌سراغش رفته‌اند و در شعر یا متنی به تمثیل و کنایه از کنار آن گذر کرده‌اند. چنان‌که یوسـف ازغدی نیـز مانند دیگر گذشـتگان از این عناصر بی‌توجه نگذشته و در شعرش به آن پرداخته است.

خیابانی که به «فرهنگ عامه» رسید

«خیابان» مسـیری میان دو دروازه است؛ دروازه قوچان و سـرخس. به گـواه تاریخ هـم همواره حدفاصـل میـان دروازه غربی تـا حرم‌مطهر را «بالاخیابان» و حدفاصل حرم تا دروازه شـرقی را «پایین‌خیابان» می‌خوانده‌انـد؛ نام‌گذاری‌هایی که در ابتدا متأثر اسـت از سـنت‌های دینیِ دفنِ درگذشـتگان. در ادامه امـا به‌مرور، ایـنَ نام‌هاَ سروشکل دیگری به خود گرفته است و روزبه‌روز جاپای خود را در فرهنگ شهر محکم می‌کند. نشانه آن هم اینکه کم‌کم رد و نشانی از آن‌ها در القاب و نام فامیل‌ها پیدا می‌شود. به‌طور مثال در مکاتبات دوره ناصری در متن برخی نامه‌ها از فردی با عنوان «شیخ حسن پایین‌خیابانی» نام برده می‌شود. یا مرحوم «غلامرضا سـراج علیایی»، حجار قدیمی حرم مطهر رضوی، در جایی از خاطراتش می‌گوید: «ادامه فامیل ما علیایی بود، چون توی بالاخیابان کار می‌نشسـتیم. پایین‌خیابان هم یک سراجی دیگر داشت که به سراج سفلایی مشهور شده بود.»

شیر کجا؟ خانه‌اش کجا؟

بالا و پایین‌خیابـان، خیابان‌های علیا و سـفلی، یـا بـه تعبیـر مشـهدی‌اش «بال‌خیابـون» و «ته‌خیابون»، به هـر نامی که از ایـن خیابان‌ها یاد کنیم، عنصـر «خیابان» و دو محله پیوسـته به آن، جـای ارزنده‌ای در تمثیل‌هـای مردم این شهر دارد. «شـیر کجا؟ خَنَه‌اش (خانه‌اش) کجا؟ بال‌خیابون، ته‌خیابون، سـراب و نوغـون.» این شعر یک نمونه از این تمثیل‌هاسـت و ادعایی از بزرگی و قـدرت آدم‌های این محـلات که هنوز در حافظـه سن‌وسـال‌دارهای مشـهدی باقی مانده است.

عقیق جوی خیابان

اتصال جوی خیابان به «بسـتِ» بالا شاید آغازی باشـد بر تقدّس آب جـوی در باور مـردم قدیم، چنان‌که رد و نشانی از این باور هم در متون گذشته یافت می‌شـود. مرحوم بقیعی می‌نویسد: «دم درِ بسـت، جوان لاغراندامی با پاچه‌هـای ورمالیده وسـط نهر ایسـتاده بود. آبکش آهنی بزرگی به دست داشـت و گاه‌گاهی آن را به زیر ماسه‌های کف نهر فرو می‌برد، مقداری لجن برمی‌داشت، در آب سَرَند می‌کرد، خرده‌ریزه‌های به‌دردبخور بین شن‌ها را در توبره‌اش می‌ریخت و دوباره بقیه را به نهر برمی‌گردانید. چند تن دورش را گرفته بودند تا ببینند چه چیزهایی پیدا می‌کند. هر کس پول می‌داد، آبکش را به نیت صاحب خیر زیر آب می‌برد و محتویات آن را جلویش می‌ریخت تا به شـانس خودش از میان لجن‌ها چیزی بیابد. هرچه به دست می‌آمد، اعم از آهن‌پاره، سکه زنگ‌زده، خرمهره و حتی هسته میوه، متبرک به شمار می‌رفت. پدرم به نام من یک شاهی داد و یک آبکش لجن گرفت. پس از جست‌وجو و فرسـتادن چند صلوات، یک انگشتری عقیق یافتیم... پدرم گفت: مبارکه... الهی شکر... این نشونه اینه که بختت بلنده.»

دم‌بستی در برابر ارگ‌رو

علاوه‌بر این باور، خود «بست» نیز در محل اتصال خیابان به حرم مطهر، محل دریادماندنی‌ای برای مشهدی‌های قدیم بوده است. شاهد این مدعا هم تنوع کاربرد این عنوان در کلام مشهدی‌هاسـت. در کلام برخی از سن‌وسـال‌دارهای قدیم عبارت «دم‌بستی» درمقابل «ارگ‌رو»، نشانه آدم مذهبی و مقید است؛ آدمی که همیشه اطراف فلکه حضرتی تاب می‌خـورده اسـت. درمقابل اما «دمِ بسـتِ بودی؟» کنایه‌ای اسـت از گدایی کردنَ و عمدتاً درباره فردی به کار می‌رود که پول خرد زیادی در جیبش یافت می‌شود و همچنین «یک بست، یک بست، ما رِ بُردی تا دم بست» به تمثیل، کاری است که انسان را کم‌کم به انجامش قانع کرده‌اند.

ادامه دارد...

بست بالا خیابان - دهه ۴۰ خورشیدی

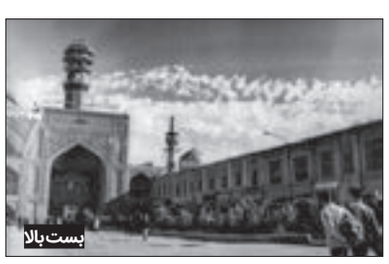

بست بالا

بست پایین

ارگ‌نشینانی که دیگر نیستند

بازخوانی تاریخچه کوچ ارمنیان به مشهد

گروه تاریخ و هویت

کلیسای مسروپ مقدس در مشهد

سال کهنه میلادی این روزها به پهلو افتاده و فردا در تقویم‌ها، روز میلاد حضرت عیسی مسیح(ع) نوشته شده‌است. پیامبری که روزگاری پیروانش در مشـهد آن‌قدر بوده‌انـد که از آنان با عنوان هسته تأثیرگذار جمعیتی یاد شده است و سه یادگار مهم کلیسای مسروپ مقدس، مدرسه و آرامستان ارامنه را نیز برجا گذارده‌اند.

تاریخ‌نگاران، قدمت حضور ارمنی‌ها را در مشـهد، هم‌زمان با تاج‌گذاری نادرشـاه افشار می‌دانند و نوشـته‌اند اول‌بار او بوده که تعدادی ارمنی را از جلفای اصفهان به این سـمت کوچانده و زمینه سکنای آنان در مشـهد را فراهم آورده است. نادرشاه حتی آرامسـتان و کلیسـایی نیز در آن زمان برای ارامنه کوچ داده شده می‌سازد که اکنون دیگر نام و نشانی از آن باقی نمانده است. این ارامنه پس از پایان جنگ نادر با عثمانی‌ها به مشاغلی مانند بازرگانی و زرگری رو آوردند اما در سـال‌های واپسـین تاج‌داری شاه مقتدر افشار و شـورش خراسانی‌ها آسیب جانی و مالی فراوانی دیدند؛ بسـیاری از بازرگانان ایرانی و ارمنی در این دوران به‌دست سربازان نادر کشته یا کور شدند. پس از این غائله بسیاری از آنان مهاجرت کردند اما باز هم می‌شد این اقلیت مذهبی را در دوره قاجار و پهلوی اول در مشهد یافت. به گزارش نویسندگان مکتب شاپور، در سـال ۱۳۱۳، حدود ۳۶۰ ارمنی در مشـهد زندگی می‌کردند. چهارسـال بعد این جمعیت به ۱۱۰ تن کاهش می‌یابد و با اشغال شـهر توسط متفقین، این روند فزونی می‌گیرد. طبق آمار سـال ۱۳۷۵ در نواحی ده‌گانه مشـهد، تنها ۱۶۱ ارمنی بوده‌انـد که آنان هم تـا نیمه‌دهه ۸۰ به‌مرور به شـهرهای تهران، اصفهان یا خارج از مرزهای ایران مهاجرت می‌کنند و اکنون دیگر کسـی از این گروه در مشهد باقی‌نمانده است. در گذشـته این گروه در محله ارگ، حوالی کلیسا، خیابان امام‌خمینی(ره) فعلی و تعدادی هم در خیابان دکترا ساکن بوده‌اند. ارمنیان مشهد از دو گروه ارمنیان ایرانی و ارامنه تبعه روسیه تشکیل می‌شدند و مشاغل خاصی داشتند. اگرچه مشهدی‌ها، همسایگان ارمنی‌شـان را با صنعت سینما می‌شناسند و نخستین سینماهای مشـهد به‌همت آنان رونق گرفته اما در بازرگانی مشهد هم وزنه سنگینی بوده‌اند. بازرگانان ارمنی تابع روسیه که ابتدا در سرای سلطانی حجره می‌گرفتند، بیشتر درزمینه صادرات پشم و پنبه فعالیت داشتند. آنان پشم را از افغانسـتان و پنبه را از خراسان می‌خریده، به روسیه صادر کرده و در مقابل از روسیه قند، شـکر و مال‌التجاره ذرعی وارد می‌کرده‌اند. ناگفته نماند که ارمنیان مشـهد در انتخاب شغل آزاد بودند اما بیشتر پیشه‌هایی را انتخاب می‌کردند که با دنیای خارج ارتباط داشـت و مشـاغل نو و جدید محسوب می‌شد. به‌عنوان مثال، نخستین مغازه‌داری به سبک جدید را «یروانت ارمنی» در مشهد دایر می‌کند و به خرید و فروش عتیقه، رادیو، تلویزیون و وسـایل لوکس می‌پردازد. برخی دیگر از ارامنه نیز نجاری، آهنگری و مکانیکی داشـته و متخصص باتری‌سازی بوده‌اند. طبق اسناد باقی‌مانده در دهه ۵۰، چند ارمنی هم پست دولتی داشـته و در وزارت فرهنگ و پست و تلگراف مشغول به کار بوده‌اند. زنان ارمنی در مشهد را به‌عنوان خیاطان برجسته و هنرمند می‌شناسند که در این حرفه، حرف اول را می‌زده‌اند. اما ارمنیان یک چهره شاخص به سینمای ایران هدیه داده‌اند و او «آوانس اوهانیانس» بود که به‌دنیاآمده مشهد بود اما بعدها به تهران رفت و «آبی و رابی» را که نخستین فیلم سینمایی ایرانی بود، کارگردانی کرد.

منبع: کتاب صدسال سینما در مشهد از حسین پور حسین، کتاب مشهد به گزارش مکتب شاپور تصحیح مهدی سیدی و پژوهش «نگاهی به حضور ارمنیان در مشهد» از فصلنامه ارمنیان پیمان.

آگهی مناقصه عمومی
(شماره ۱۹۹۰۰۰۹۱۴ - ۴۱/۹۹/۱۲۹۴۹)

موضوع: تهیه مصالح واجرای عملیات بخش غربی منفی یک عرصه وآب نماها درعرصه میدان شهدا مشهد

مبلغ برآورد اولیه : ۱۲۲,۴۷۳,۰۳۹,۰۳۹ ریال.

جهت شرکت درمناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس www.ets.mashhad.ir مراجعه نمایید.

سازمان بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد

آگهی مزایده عمومی

ردیف	شماره	موضوع مزایده	برگزار کننده	مبلغ ضمانتنامه(ریال)	قیمت کارشناسی پایه	آخرین مهلت تحویل پیشنهادات
۱	۱۵۰	اجاره منافع ۱۱۷ باب واحد تجاری در ایستگاه‌های خطوط شرکت بهره‌برداری قطارشهری مشهد (بسته تجاری شماره یک)	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۵۳۶,۰۸۴,۶۴۰	۱۰,۷۲۱,۶۹۲,۸۰۰	۹۹/۱۰/۲۴
۲	۱۵۱	اجاره منافع ۹۰ باب واحد تجاری در ایستگاه‌های خطوط شرکت بهره‌برداری قطارشهری مشهد (بسته تجاری شماره دو)	شرکت بهره برداری قطارشهری مشهد	۴۴۸,۶۴۳,۲۷۸	۸,۹۷۲,۸۶۵,۵۶۴	۹۹/۱۰/۲۴

برای اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه دریافت و تحویل اسناد به آدرس www.ets.mashhad.ir مراجعه نمایید.
ثبت نام کلیه مناقصه گران در سامانه vendor.mashhad.ir الزامی می باشد.